

گزارش «شرق» از چالش مجلس و دولت درمورد افزایش حقوق کارکنان دولتی

پاستور حاضر نیست هزینه‌هایش را کاهش دهد

معصومه معظمی: اولین سالی است که مجلسی‌ها لایحه بودجه ۱۴۰۳ را در دو بخش درآمدی و هزینه‌ای به‌طور مجزا بررسی می‌کنند. پیش از این بخش هزینه‌ای بودجه مورد بررسی قرار گرفت و اکنون بررسی بخش درآمدی لایحه بودجه ۱۴۰۳ پس از دو هفته در کمیسیون تلفیق نهایی شده است… صفحه ۲



یکشنبه ۱ بهمن ۱۴۰۲ • ۹ رجب ۱۴۴۵ • ۲۱ ژانویه ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۵۴ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: پرتاب ماهواره «ثریا» به مدار ۷۵۰ کیلومتری | بزرگ‌ترین مانور ناتو زیر سایه تهدیدهای پوتین | حاشیه‌نشین‌ها و فرودستان در داستان‌هایی از غلامحسین ساعدی به مناسبت هشتادوهشتمین زادسالش

سرمقاله

از «مقاومت منفعلانه» به «مشارکت هویتمند»



احمد میدری

دوست عزیزم جناب آقای دکتر حجت میرزایی روز دوشنبه ۲۵ دی‌ماه در یادداشتی تحت عنوان «سیاست‌ورزی اقتصادی: فروتنانه یا واقع‌بینانه» دفاع من از اصلاح سن و سابقه در صندوق‌های بازنشستگی را نقد کردند. ضمن سپاس فراوان از ایشان برای ورود به این بحث و نقد این دیدگاه و همچنین اظهار لطفشان به بنده که بدون تردید از سر بزرگواری ایشان بوده است، در جهت روشن‌شدن بحث نکاتی را بیان می‌کنم.

من نیز معتقدم اصلاح سن و سابقه و قواعد بازنشستگی کفایت نمی‌کند و نیازمند اصلاح نظام تامین اجتماعی در جهت تحقق چهار اصل فراگیری، پایداری، کارآمدی، کفایت است به‌طور روشن‌تر:

رفع مقابله با فقر بیمه‌های اجتماعی و تحقق فراگیری بیمه‌های اجتماعی: درحال حاضر حدود شش تا هفت میلیون نفر از ۲۴ میلیون شاغل در بازار کار فاقد بیمه اجتماعی هستند. این افراد در سالمندی فقیر و در صورت هرگونه حادثه به فقیرترین گروه‌های جامعه تبدیل خواهند شد.

رفع تبعیض: برخی از گروه‌های اجتماعی مانند رانندگان، کارگران ساختمانی و ۳۷ رشته فعالیت اقتصادی از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد حق بیمه معاف شده‌اند. این معافیت فاقد مبنای روشن سیاست‌گذاری است.

کفایت خدمات بیمه‌ای: مستمری بازنشستگان برای عموم افراد ناکافی و اگر هزینه مسکن لحاظ شود، مستمری حدود ۶۰ درصد هزینه‌های زندگی است.

کارآمدسازی صندوق‌ها به‌ویژه در نگهداری ذخایر: مدیریت صندوق‌های بازنشستگی غیرحرفه‌ای و با عدم شفافیت و ناکارآمدی عجین شده است و باید اصلاح اساسی در این زمینه صورت گیرد. درباره ابعاد اصلاح صندوق‌های اجتماعی به تفصیل و بارها بحث کرده‌ام. اختلاف دیدگاه من با دوستانی مانند حجت میرزایی بر سر کافی‌بودن یا کافی‌نبودن اصلاحاتی که در برنامه هفتم مصوب شد نیست بلکه دو اختلاف اساسی وجود دارد؛ اول آنکه به‌هرحال و در هر شرایطی اصلاح سن و سابقه ضروری است و اگر همه شرایط از جمله کارآمدی آنها افزایش یابد، راهی به‌جز اصلاح شرایط بازنشستگی در ایران وجود ندارد. دوم آنکه اصلاحاتی از این دست می‌تواند زمینه‌ساز خروج جامعه کارشناسی از «مقاومت منفعلانه» به «مشارکت هویتمند» باشد. «مقاومت منفعلانه» راهبرد نیروهای بیرون از حکومت است که در برابر هر اقدام دولت نکات منفی آن را مورد نقد قرار می‌دهند. براساس قاعده ویلرودو پارتو اقتصاددانان و جامعه‌شناسان ایتالیایی قرن نوزدهم هر سیاست آثار منفی توزیعی و تخصیصی خواهد داشت، به زبان ساده هیچ سیاستی نمی‌تواند تماما مثبت باشد و حتما آثار منفی حداقل توزیعی خواهد داشت. نیروهای دانشگاهی در عموم مواقع در موضع نقد سیاست هستند و در دوره‌هایی که شکاف میان سیاست‌مداران و دانشگاهیان بیشتر می‌شود، مانند دوره حاضر این رویکرد تشدید می‌شود. معمولا اینزیر این نقد مانع اجرای سیاست نمی‌شود و احتمالا اجرای آن را به تعویق می‌اندازد. این رویکرد در صورت موفقیت به ایستایی سیاست می‌انجامد که به هیچ وجه به نفع جامعه نیست. در اقتصاد رفتاری این وضعیت را تورش وضعیت موجود (Status quo bias) می‌گویند که به معنای تلاش برای ماندن در وضعیت موجود است. نوبتی احساس است که فرد می‌ترسد تغییر در وضعیت موجود موجب از دست رفتن داشته‌های (Endowment) کنونی‌اش شود. این تورش رفتاری چه برای یک فرد چه برای یک جامعه خطرناک است. در عرصه اجتماع این رویکرد به افول کنشگری اجتماعی می‌انجامد؛ چیزی که شوربختانه در جامعه امروز ما بسیار فراگیر شده است. در مقابل این رویکرد، مشارکت هویتمند را قرار داده‌ام. در این رویکرد نیروهای بیرون از حکومت با حفظ هویت سیاسی و فرهنگی خود برای اصلاح وضعیت موجود با سیاست‌گذار همراه می‌شوند. به‌طور مثال در موضوع صندوق‌های بازنشستگی مشارکت هویتمند پیشقدمی دولت را باید روزنه‌ای برای تغییرات بزرگ‌تر و جامع در نظر گرفت و به دنبال ایجاد شبکه‌ای از نیروها تنه‌ای بیرون از دولت بود تا برای کاهش فقر بیمه‌های اجتماعی، رفع تبعیض، کارآمدی و پایداری صندوق‌ها گد هم‌بایند. امروز سرمایه عظیمی از کارشناسان و مدیران سابق، بیرون از دولت هستند. انفعال این نیروها تنها یک خسارت بزرگ نیست بلکه به‌نظم از دست دادن مهم‌ترین فرصت برای تحقق راهبرد توانمندسازی حکومت و جامعه است. شبکه کارشناسانی که نظام اداری را می‌شناسند، می‌توانند به مثابه کنشگران مرزی به تعبیر مقصود فراستخواه کارگزاران راهبرد توانمندسازی همزمان جامعه و دولت باشند. در کتاب حکمرانی خوب (مرکز پژوهش‌های مجلس، حکمرانی خوب بیان توسعه، میدری و خیرخواهان ۱۳۸۳) تجارب جهانی این راهبرد جمع‌آوری شده است. بسیاری از نهادهای مدنی از جمله تشکلهای صنفی امروز برای اصلاح سیاست‌ها با دولت خود همراهی می‌کنند که با تقویت جامعه مدنی و کارآمدی دستگاه اداری می‌انجامد. دفاع از اصلاح سن و سابقه مبتنی بر این راهبرد بوده است و باید آن را گامی در جهت خروج از وضعیت انفعال مدنی و افول کنشگری دانست. مقصود فراستخواه نشان داده است که این راهبرد از رموز بقای جامعه ایران بوده است. جامعه‌ای که به تعبیر محمد بهشتی همواره پربلا و بی‌قرار بوده است؛ در قرون متمادی پیش از هر مدتی شکست خورده و بیش از هر مدتی سیخ‌وار برآمده و پیروز شده است.

«شرق» از حمله اسرائیل به دمشق و به‌شهادت رساندن ۵ نفر از مستشاران نظامی ایران گزارش می‌دهد

ریل‌های آتش‌افروزی تل‌آویو

گزارش تیتربک را در صفحه ۳ بخوانید



● صفحه ۴

گزارش

نگرانی از بازگشت آشفتگی‌های شهری، «بهشت» از تاکسی‌های اینترنتی سهم‌خواهی کرد

در جدال شهرداری با تاکسی‌های اینترنتی حق با کیست

سوی دعوا طور دیگری بود؛ دور از انتظار نبود که همین اصل داستان، برای آن طرفی‌ها قابل پذیرش نباشد؛ تاکسی‌های آنلاین از بیخ با همین اصل داستان مشکل داشتند، آنها از یک سو خودشان را مشمول قانون صنفی تعریف می‌کردند و از سوی دیگر شهرداری را به واسطه در اختیار داشتن سازمان تاکسیرانی، قائل به دارابودن جایگاه رگولاتوری در این میدان نمی‌دانستند؛ گرفته بود، همچنین نیم‌نگاهی به روش‌های سنتی و تعیین نرخ دستوری در بین مدیران شهری وجود دارد؛ البته نرخ بالای کرایه برخی مسیرها در برخی از ساعات پرتراфик شهر گلايه‌هایی را هم ایجاد کرده بود و این، اصلی‌ترین دلیل موافقان نرخ دستوری بود.

مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران در هفته نخست آبان، با بیان اینکه نرخ وسایل حمل‌ونقل عمومی را باید شورا تصویب کند، تاکید کرد: ما دنبال این می‌کنیم که نرخ تاکسی‌های اینترنتی در شورا به تصویب برسد. البته این تنها موضع‌گیری اعضای شورای شهر تهران نبود و یک روز بعد، تشکری‌هاشمی رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورا هم لب به گلایه از تاکسی‌های اینترنتی باز کرد و در اظهارنظری تند گفت: نرخ کرایه این تاکسی‌ها در ساعت اوج بسیار عجیب می‌شود و این مبالغ به هیچ عنوان منصفانه نیست و مصوبه شورای شهر تهران را ندارند بر همین اساس مبالغی که دریافت می‌شود کاملا خلاف نص صریح قانون است زیرا قیمت‌گذاری تاکسی‌ها وظیفه شورای شهر است.

پیگیری ورود شهرداری و مدیریت شهری به حوزه نرخ‌گذاری کرایه تاکسی‌های اینترنتی البته به اینجا ختم نشد و احمد وحیدی وزیر کشور در اوایل دی ماه نیز در حاشیه دومین رویداد بین‌المللی نمایشگاه ایران قوی که در مصالای تهران برگزار شد در ارتباط با تعیین تعرفه تاکسی‌های اینترنتی گفت: ما در این رابطه شهرداری را به عنوان ساماندهی حمل‌ونقل درون‌شهری می‌شناسیم و شهرداری‌ها باید در این حوزه ورود کنند. او تاکید کرد که ساماندهی حمل‌ونقل درون‌شهری یکی از تکالیف شهرداری‌هاست و تعیین تعرفه تاکسی‌های اینترنتی نیز به عهده شهرداری‌ها قرار دارد.

ادامه در صفحه ۴

کنعانی در واکنش به ترور مستشاران نظامی ایران در دمشق:

پیوند عمیق رژیم تروریستی صهیونیستی با داعش مشخص است

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اقدام جنایتکارانه و متجاوزانه صبح امروز رژیم صهیونیستی در حمله به منطقه مسکونی المزه دمشق را که به شهادت پنج نفر از مستشاران نظامی کشورمان و تعدادی از نیروهای محلی منجر شد، به‌شدت محکوم کرد.

صفحه ۳



نگرانی از بازگشت آشفتگی‌های شهری «بهشت» از تاکسی‌های اینترنتی سهم‌خواهی کرد

در جدال شهرداری با تاکسی‌های اینترنتی حق با کیست

قطب گردشگری یزد در خطر آلودگی‌های سمی

کنایه قلعه‌نویی به حسن روحانی؟

انتقاد به ماجرای محروم بودن از شناسنامه بعد از حمله پاکستان به سیستان و بلوچستان

به دنبال شناسنامه ایرانی

یادداشت

آب، آینه و نگاه

تأملی در کتاب «تذکره بادها» اثر رضا عبدی



محمدرضا تاجیک

یک

«دو مرد توی قطار نشست. اولی از دومی می‌پرسه که توی بستهای که همراهته چی داری؟ دومی می‌گه: مک‌کافین توی جعبه‌ست. اولی می‌گه: مک‌کافین چیه؟ دومی جواب می‌ده: به دستگامیه که می‌شه باهاش توی بلندی‌های اسکاتلند شیر شکار کرد. اولی با تعجب می‌گه: اما توی بلندی‌های اسکاتلند که شیر نیست. دومی جواب می‌ده: خوب پس مک‌کافین هم نیست.» (اسلاوی زیزک)

وقتی کتاب تذکره بادها را می‌خواندم، با خودم گفتم به یاد داشته باشم که در آب کاسه همان نقش می‌بندد که مردمان سرزمین بباد و آب و خورشید، قبلا آن را دیده‌اند و تجربه کرده‌اند و می‌خواهند ببینند. چیزی در میان آنان همواره کم است اما این چیز، چیزی نیست که گمش کرده باشند تا با پیداکردنش به رضایت خاطر برسند؛ درواقع یک حس دائمی است که به‌عنوان سوزه دارند و به آنان القا می‌کند چیزی کم و کم است یا چیزی هست که توی زندگی ندارند. پنداری، یک گودال عمیق در اعماق وجود آنهاست که مرتب تلاش می‌کنند پُرش کنند. اما خود آنان هم آگاه نیستند که چیزی که بدان تمایل دارند، از خودشان ریشه می‌گیرد؛ از همین گودال و حفره پرشدنی. یادم باشد هرمز، یک «نام» است از خانواده مضطرب‌های تصمیم‌ناپذیر؛ هم ترسان است و هم ترساننده، هم درد است و هم درمان، هم نگاه است و هم نگاه‌شونده، هم گفتن است و هم ناگفتن و هم هرمز «بابازار» است و هم هرمز «شاشو»- و چون نمی‌داند یکی از «من»‌هایش از «سن» دیگرش چه می‌خواهد، دچار اضطراب است. اهالی جزیره هم همه مضطربند؛ چون هم می‌خواهند واقعیت در آب را بداندن و بشنوند و هم نمی‌خواهند با واقعیت خویش مواجه شوند. یادم باشد بدانم هر موقع به آب توی کاسه نگاه می‌کنم، آب و تصاویر در آن هم، از جمله، تصویر خودم، زل زده‌اند و با نگاه خیره‌شان دارند مرا تماشا می‌کنند. یادم باشد آن نقش(ها) که در آب می‌بینم، نقش من است، نقش آب نیست؛ آنچه در کاسه است، آب نیست، آینه نگاه و خیال من است؛ آینه‌ای که مرا با تصاویری که از خود زبانی و نام و نشان و دلالتی نداشتند، به هم بخیه می‌زند. یادم باشد که من مردمان جزیره قدتر به آیین و مناسک کاسه و آب و نگاه و گفتن من وابسته و دل‌بسته‌اند. یادم باشد وقتی آنچه می‌بینم که می‌بینم، از دهشتناکی صداهای بی‌صدا و بی‌کلام و ساکت واقعیتی که تصویرها منعکس می‌کنند، می‌هراسم. یادم باشد که در این سرزمین باد و آب و خورشید، چگونه باید سلوک کنم تا از خشم آنان در امان باشم. اصلا یادم باشد که من فقط توالی «یادها» و «نگاه‌ها» و «ترس»‌ها و «گفتن»‌ها و «نگفتن»‌ها هستم و دیگر هیچ. من هیچم جز ادامه صدا و نگاه یک «دیگری بزرگ» که در کاسه و آب پنهان شده است و مرا ادامه میل و اراده و پژواک سخن خویش می‌خواهد؛ دیگری بزرگی که خودم ساختم‌ام و در آب انداخته‌ام. یادم باشد تصاویر رویدادها و وقایعی که در آب می‌بینم، می‌توانند یک نشانه باشند؛ نشانه‌ای -به بیان کانت- توأمان «یادآورنده، نماینده و پیشگویانه». این نشانه، نشان می‌دهد که همیشه چنین بوده است (نشانه یادآورنده)؛ هم‌اکنون نیز، چیزهایی دال بر یک رویداد روی می‌دهند (نشانه نماینده)؛ و سرانجام، نشان می‌دهد که همیشه نیز، چنین خواهد بود (نشانه پیش‌گویانه).

ادامه در صفحه ۵